

کتاب دانیال — شماره یکصد و پنجاه و پنج

دانیال کی آخری رویا کا انکشاف: دانا کنواریوں کے ایک متوازی سفر##

Jeff Pippenger

2024-03-24

ما بررسی رؤیای واپسین دانیال را با شناسایی دانیال به عنوان نماد قوم عهدی خدا در ایام آخر آغاز کرده ایم، و آیه نخست را در پیوند با فصل آخر به کار برده ایم تا ویژگی های نبوی آن قوم آخرالزمانی را که بَلْتَشَصر نماینده ایشان است، آغاز به شناسایی کنیم. قوم عهدی خدا در ایام آخر نمایانگر میلری ها در جنبش فرشته اول، و نیز یکصد و چهل و چهار هزار تن در جنبش فرشته سوم هستند. میلری ها مثل ده باکره را به انجام رساندند، و آن مثل در ایام آخر عیناً، تا به همان حرف، تکرار می شود.

«مرا غالباً به مثل ده باکره ارجاع می دهند، که پنج تن از ایشان دانا بودند و پنج تن نادان. این مثل تا به دقیق ترین معنا تحقق یافته است و تحقق خواهد یافت، زیرا کاربردی ویژه برای این زمان دارد و همچون پیام فرشته سوم، تحقق یافته است و تا پایان زمان همچنان حقیقت حاضر خواهد بود.»
Review and Herald، 19 اوت 1890.

تجربه هر دو جنبش ایام آخر، تجربه آدونتیسم است.

«تمثیل ده باکره در متی ۲۵ نیز تجربه قوم آدونتیست را به تصویر می کشد.» نبرد عظیم، ۳۹۳.

میلری ها نمایانگر حرکت فرشته اول بودند، و تجربه ایشان نیز به وسیله کلیسای فیلادلفیا نمایش داده شده بود. در سال ۱۸۵۶، حرکت میلری فیلادلفیایی به حرکت لائودیکه انتقال یافت، و در شورش سال ۱۸۶۳، این انتقال به گونه ای بیشتر در کلیسای آدونتیست روز هفتم لائودیکه ادامه یافت.

صد و چهل و چهار هزار تن، نمایانگر جنبش فرشته سوم هستند، و تجربه ایشان همچنین به وسیله کلیسای فیلادلفیا به تصویر کشیده شده بود. در سال ۱۹۸۹، کتاب دانیال بر کلیسای لائودیکه ای آدونتیست روز هفتم گشوده شد، و در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، جنبش آدونتیستی لائودیکه ای آغاز شد، و در ژوئیه ۲۰۲۳، انتقال بازگشت به جنبش فیلادلفیایی فرا رسید.

بَلْطَشَصر، أو دانیال، یمثل الحركة الفیلادلفیة فی الأيام الأخيرة، التي تکرر الحركة الفیلادلفیة للمیلرین «بحذافیرها». والآية الأولى من الرؤیا الأخيرة یمثل أولئك الناس فی الأيام الأخيرة، ولا بد أن تتفق الشهادة الأخيرة فی الرؤیا الأخيرة مع الشهادة الأولى فی الرؤیا الأخيرة. وتحدد عملية التطهير فی الأصحاح الثانی عشر من سفر دانیال ازدياد المعرفة، والطبقتین اللتین تنتجهما بذلك. وبَلْطَشَصر هو التمثیل الأقصى للحکماء فی الأيام الأخيرة. وفي الأصحاح الثانی عشر من سفر دانیال توجد، علی الأقل، خمس حقائق نبویة كانت مراسی لحركة المیلرین، ولا بد أن تتكرر فی حركة الملائک الثالث.

نخست، فرایند تطهیر است که دو طبقه از پرستندگان را پدید می آورد، و از این رو مثل ده باکره را هم در حرکت آغازین و هم در حرکت پایانی به انجام می رساند.

پر تو، ای دانیال، این سخنان را مخفی دار و کتاب را تا زمان آخر مهر کن؛ بسیاری به این سو و آن سو خواهند شتافت، و معرفت افزون خواهد شد... و گفت: ای دانیال، راه خود را پیش گیر؛ زیرا این سخنان تا زمان آخر بسته و مهر شده است. بسیاری طاهر خواهند شد و سفید گردانیده خواهند گشت و آزموده خواهند شد؛ اما شیریان به شرارت رفتار خواهند کرد، و هیچ یک از شیریان نخواهند فهمید؛ لیکن دانایان خواهند فهمید. دانیال ۱۲:۴، ۹، ۱۰.

تمایز میان حکیمان و شریران (نادانان) بر فهم آنان استوار است؛ یعنی بر توانایی ایشان در تمیز دادن ذهنی افزونی معرفتی که در زمان آخر آشکار می‌شود؛ خواه در سال ۱۷۹۸ برای میلری‌ها، یا در سال ۱۹۸۹ برای صد و چهل و چهار هزار تن. از قوم خدا خواسته می‌شود بدانند که ادونتیسیم همان تجربه مثل ده باکره است؛ زیرا بدون آن فهم، در پی درک این نخواهند بود که «زمان آخر» برای نسل نهایی چه هنگام فرارسید، یا آن پیامی که در آن هنگام از مهر گشوده شد چه بود. بدون این درک که تجربه ادونتستی فرایندی آزمون‌گر در سه گام است، مبتنی بر تکامل تدریجی حقیقت، و منتهی به نتیجه‌ای «مرگ و زندگی»، تشخیص دعوت والای هر ادونتیست روز هفتم ناممکن است. بلتشر نمایانگر قومی است که می‌دانند از فرایند تطهیری که با این تعبیر بازنمایی شده است گذشته‌اند: «پاک شده، سفید گردیده، و آزموده شده‌اند.» همین فرایند سه‌گانه تطهیر، به‌طور مشخص، به‌عنوان کار روح‌القدس معرفی شده است.

با این همه، من راستی را به شما می‌گویم: برای شما بهتر است که من بروم؛ زیرا اگر نروم، تسلی‌دهنده نزد شما نخواهد آمد؛ اما اگر بروم، او را نزد شما خواهم فرستاد. و چون او بیاید، جهان را درباره گناه، و درباره عدالت، و درباره داوری ملزم خواهد ساخت: درباره گناه، زیرا به من ایمان نمی‌آورند؛ درباره عدالت، زیرا من نزد پدر خود می‌روم و شما دیگر مرا نمی‌بینید؛ و درباره داوری، زیرا رئیس این جهان محکوم شده است. هنوز چیزهای بسیار دارم که به شما بگویم، اما اکنون تاب تحمل آنها را ندارید. لیکن چون او، یعنی روح راستی، بیاید، شما را به جمیع راستی هدایت خواهد کرد؛ زیرا از خود سخن نخواهد گفت، بلکه هرآنچه بشنود، همان را خواهد گفت؛ و از امور آینده به شما خبر خواهد داد. یوحنا ۱۶: ۷-۱۳.

کار روح‌القدس در هدایت باکره‌های دانا به «جمیع راستی» اقتضا می‌کند که او جهان را بر گناه، عدالت و داوری توبیخ کند، یعنی هشدار دهد یا ملزم سازد؛ و این دقیقاً همان سه گامی است که در باب دوازدهم دانیال، یا باکره‌ای دانا پدید می‌آورد یا باکره‌ای جاهل. پیامی که عیسی آن را کار روح‌القدس معرفی کرد، همان «روغن» است که تمایز میان دانایان و شریران را در دانیال دوازده آشکار می‌سازد. قوم خدا در ایام آخر باید افزایش معرفت را برای نسل خویش دریابند، و آن معرفت شامل این تشخیص نیز هست که در مثل باب بیست‌وپنجم متی، یا باکره‌های جاهل‌اند یا باکره‌های دانا.

«یوحنا این چیزها را در رؤیای مقدس مشاهده کرد. او جماعتی را دید که به‌وسیله پنج باکره دانا نمادین شده بودند، با چراغ‌های افروخته و آماده، و با شور و جذبه ندا داد: «اینجاست صبر مقدس؛ اینان‌اند آنان که احکام خدا و ایمان عیسی را نگاه می‌دارند. و آوازی از آسمان شنیدم که به من می‌گفت: بنویس، خوشا به حال مردگانی که از این پس در خداوند می‌میرند؛ آری، روح می‌گوید، تا از زحمات خود بیاسایند؛ و اعمال ایشان در پی ایشان می‌آید.»

«بسیاری از کسانی که پیام‌های فرشته اول و دوم را شنیدند، می‌پنداشتند که زنده خواهند ماند تا آمدن مسیح را در ابرهای آسمان ببینند. اگر همه کسانی که مدعی ایمان به حقیقت بودند، سهم خود را همچون باکره‌های دانا ایفا کرده بودند، این پیام تا کنون به هر امت و قبیله و زبان و قوم اعلام شده بود. اما پنج تن دانا بودند و پنج تن نادان. حقیقت می‌بایست به‌وسیله آن ده باکره اعلام می‌شد، اما فقط پنج تن تدارک لازم را فراهم کرده بودند تا به آن گروهی بپیوندند که در نوری که به ایشان رسیده بود گام برمی‌داشتند. پیام فرشته سوم لازم بود. این اعلان باید انجام می‌گرفت. بسیاری از کسانی که تحت پیام‌های فرشته اول و دوم برای استقبال داماد بیرون رفتند، پیام فرشته سوم را، که آخرین پیام آزمایش‌کننده‌ای بود که باید به جهان داده می‌شد، رد کردند.»

«عملی مشابه هنگامی نیز به انجام خواهد رسید که آن فرشته دیگر، که در مکاشفه ۱۸ به تصویر کشیده شده است، پیام خود را اعلام کند. پیام‌های فرشته اول و دوم و سوم باید تکرار شوند. این

ندا به کلیسا داده خواهد شد: "ای قوم من، از او بیرون آید، مبدا در گناهانش شریک شوید." "بابل عظیم سقوط کرده است، سقوط کرده است، و مسکن دیوها و مأوای هر روح ناپاک و قفس هر پرنده ناپاک و مکروه شده است. زیرا همه امت‌ها از شراب خشم زنا و نوشیده‌اند، و پادشاهان زمین با او زنا کرده‌اند، و بازرگانان زمین از فراوانی ناز و نعمت او دولت‌مند شده‌اند.... ای قوم من، از او بیرون آید، مبدا در گناهانش شریک شوید، و مبدا از بلاهای او نصیبی یابید؛ زیرا گناهانش تا به آسمان رسیده است، و خدا بی‌عدالتی‌های او را به یاد آورده است" [مکاشفه ۱۸:۲-۵].

«این باب را آیه به آیه برگزید و آن را با دقت بخوان، به ویژه دو آیه آخر را: "و نور چراغ دیگر هرگز در تو نخواهد تابید؛ و آواز داماد و عروس دیگر هرگز در تو شنیده نخواهد شد؛ زیرا بازرگانان و بزرگان زمین بودند؛ زیرا به جادوگری‌های تو همه امت‌ها فریفته شدند. و در او خون انبیا و مقدسان و همه آنان که بر روی زمین کشته شده بودند، یافت شد."»

«تمثیل ده باکره را خود مسیح بیان کرد، و هر جزئیات آن باید با دقت مطالعه شود. زمانی فرا خواهد رسید که در بسته خواهد شد. ما یا به وسیله باکره‌های دانا نمایانده می‌شویم یا به وسیله باکره‌های نادان. اکنون نمی‌توانیم تمایز دهیم، و نیز اختیار آن را نداریم که بگوییم چه کسانی دانا هستند و چه کسانی نادان. کسانی هستند که حق را در ناراستی نگاه می‌دارند، و اینان در ظاهر همچون دانایان به نظر می‌رسند.» Manuscript Releases, جلد 16، 270.

بَحِیثُنَا اُدْفَنَتِیْنِ الَّذِیْنِ یَنْبَغِیْ لَهُمْ اَنْ یَدْعُوا الرَّجَالَ وَالنِّسَاءَ اِلَی الْخُرُوجِ مِنْ بَابِلَ عِنْدَ صُدُورِ قَانُونِ الْاَحَدِ الْقَرِیْبِ، فَاِنَّا «نَمَثِّلُ اِمَّا بِالْعِزَّارِی الْحَکِیْمَاتِ اَوْ الْجَاهِلَاتِ». اِنْ الْجَمَاعَةُ الَّتِی رَاَهَا یُوحَنَّا، «الْمُمَثِّلَةُ بِالْخَمْسِ الْعِزَّارِی الْحَکِیْمَاتِ، وَلِهِنَّ مَصَابِیْحُهُنَّ مِهْیَاةٌ وَمَوْقِدَةٌ»، وَالَّتِی عَرَفَهَا یُوحَنَّا اَيْضًا بِاَنْهَا الَّتِی تَمَثِّلُكَ «صَبْرَ الْقِدِّیْسِیْنَ»، وَالَّذِیْنَ «یَحْفَظُوْنَ وَصَايَا اللّٰهِ وَایْمَانِ یَسُوعَ»، هِیَ الْمِئَةُ وَالْاَرْبَعَةُ وَالْاَرْبَعُونَ اَلْفًا، الَّذِیْنَ یَلْزَمُهُمْ اَنْ یَحْفَظُوا وَصَايَا اللّٰهِ، وَیَمَارِسُوا اِیْمَانِ یَسُوعَ، وَیَعْلَمُوا اَنْهُمْ هُمُ الْعِزَّارِی فِی مَثَلِ مَتَّى الْخَامِسِ وَالْعِشْرِیْنَ. وَلَیْسَ الْاَمْرُ مُقْتَصِرًا عَلَی اَنْ یَفْهَمُوا اَنْهُمْ اِمَّا عِزَّارِی حَکِیْمَاتٍ اَوْ جَاهِلَاتٍ، بَلْ یَجِبُ عَلَیْهِمْ اَنْ یُکْرَرُوا الْخِبْرَةَ الَّتِی مَثَّلَهَا دَانِیَالُ بِاَنْهُمْ «یَطْهَرُونَ وَیَبِیضُونَ وَیَمَحْصُونَ».

اور وہ تخت کے سامنے، اور اُن چار جانداروں اور بزرگوں کے سامنے گویا ایک نیا گیت گا رہے تھے؛ اور اُس گیت کو کوئی نہ سیکھ سکا، سو اُن ایک لاکھ چوالیس ہزار کے جو زمین پر سے خرید لیے گئے تھے۔ یہ وہ ہیں جو عورتوں کے ساتھ ناپاک نہیں ہوئے، کیونکہ وہ کنوارے ہیں۔ یہ وہ ہیں جو برہ کے پیچھے پیچھے چلتے ہیں جہاں کہیں وہ جاتے۔ یہ آدمیوں میں سے خرید لیے گئے تاکہ خدا اور برہ کے لیے پہلا پھل ہوں۔ اور اُن کے منہ میں کوئی مکر نہ پایا گیا، کیونکہ وہ خدا کے تخت کے سامنے بے عیب ہیں۔ مکاشفہ 14:3-5.

دانیال باب دوازدہم م گھٹ م گھٹ پنج سچایون پیش کیل آھن، جی کی پھرین فرشتی جی ملیری تحریر کے سان لاڳاپیل سچایون آھن، ۽ جی کی ه ک لک چوڏھن هزارن جی تحریر کے طرفان ٻیهر ورجایون ویندیون ۽ وڌی کے مکمل طور سمجھیون ویندیون. انهن سچاین مان ه ک اها تَن مرحلن واری پاکیزگیء جو عمل آهي، جی کو ڏهن کنوارین جی تمثیل سان لاڳاپیل آهي. پهرین سچائی جی کا ولیم ملر نبوتی وقت جی لحاظ کان سمجھی، اها احبار چوبیھه جی "ست پیرا" آهي، ۽ اها سچائی دانیال 12 م سچاڻپ کئی وئي آهي، ۽ اها ئی ملیری تاریخ جی پهرین سچائی آهي، جی کا اتي ذکر ٿیل آهي.

اما تو، ای دانیال، این سخنان را پنهان دار و کتاب را تا زمان آخر مهر کن؛ بسیاری به این سو و آن سو خواهند شتافت، و معرفت افزون خواهد شد. آنگاه من، دانیال، نگرستم، و اینک دو تن دیگر ایستاده بودند، یکی بر این سوی کرانه نهر و دیگری بر آن سوی کرانه نهر. و یکی به آن مردِ ملیس به کتان که بر آب‌های نهر بود، گفت: «پایان این شگفتی‌ها تا به کی خواهد بود؟» و من آن مرد

ملبس به کتان را که بر آب‌های نهر بود شنیدم، هنگامی که دست راست و دست چپ خود را به سوی آسمان برافراشت و به آن که تا ابد زنده است سوگند خورد که این امر برای زمانی و زمان‌ها و نصف زمانی خواهد بود؛ و چون پراکنده ساختن قدرت قوم مقدس را به انجام رساند، همه این چیزها به پایان خواهد رسید. و من شنیدم، اما درنیافتم؛ پس گفتم: «ای آقای من، فرجام این امور چه خواهد بود؟» و او گفت: «ای دانیال، راه خود را بگیر، زیرا این سخنان تا زمان آخر بسته و مهر شده است. بسیاری پاک خواهند شد و سفید گردانیده خواهند شد و آزموده خواهند شد؛ اما شریران شرارت خواهند ورزید؛ و هیچ‌یک از شریران نخواهند فهمید، لیکن حکیمان خواهند فهمید.»
دانیال ۴:۱۲-۱۰.

این بخش با مهر و موم شدن کتاب دانیال تا زمان آخر آغاز می‌شود، و با مهر و موم شدن کتاب دانیال تا زمان آخر به پایان می‌رسد. در میان نخستین و واپسین مهر و موم شدن سخنان دانیال، شهادت سوگندخورده «او که تا ابد زنده است» چنین بود که: «برای زمانی و زمان‌ها و نصف زمانی خواهد بود؛ و چون پراکندن قدرت قوم مقدس را به انجام رسانده باشد، همه این چیزها به پایان خواهد رسید.»

آن که این شهادت سوگندخورده را ارائه کرد، همان کسی بود که بر روی آب‌ها ایستاده و در کتان ملبس بود. دانیال فرشته‌ای را بر یک کرانه رود حِذْقِل و فرشته‌ای دیگر را بر کرانه دیگر دید، و یکی از آن فرشتگان سؤالی پرسید که آن کس بر روی آب‌ها بدان پاسخ داد. آن سؤال این بود: «تا به کی؟» این همان دو واژه نخست پرسشی است که در آیه سیزدهم از فصل هشتم دانیال مطرح شده است.

پس شنیدم که قدیسی سخن می‌گفت، و قدیس دیگری به آن قدیسی که سخن می‌گفت، گفت: این رؤیا درباره قربانی دائمی و عصیان ویرانگر تا به کی خواهد بود، که هم مقدس و هم لشکر به زیر پایمال شوند؟ و او به من گفت: تا دو هزار و سیصد روز؛ آنگاه مقدس تطهیر خواهد شد.
دانیال ۸:۱۳، ۱۴

همان ساختار نبوی در هر دو گفت‌وگو یافت می‌شود، یا این تفاوت که در باب هشتم، دانیال نزد رود اولای است، نه رود حِذْقِل. در باب هشتم، فرشته‌ای (قدیسی) «به آن قدیس معینی که سخن می‌گفت، گفت: تا به کی؟» واژه عبری‌ای که به «آن قدیس معین» ترجمه شده است، واژه عبری «پلمونی» است، به معنای «شمارنده شگفت‌انگیز» یا «شمارنده اسرار». در باب هشتم، عیسی (شمارنده شگفت‌انگیز) در حال سخن گفتن بود، و قدیسی دیگر از عیسی (آن قدیس معین) پرسید: «تا به کی؟»

در باب دوازدهم، آن یگانه‌ای که بر آب ایستاده است، از سوی فرشته‌ای که بر یکی از کرانه‌های رود حِذْقِل بود، پرسیده می‌شود: «تا به کی؟» این دو بخش باید با هم در نظر گرفته شوند، سطر بر سطر. نخستین پرسش باب هشتم این است: «رؤیا درباره پایمال شدن مقدسگاه و لشکر، که نخست به وسیله بت‌پرستی و سپس به وسیله پاپیت به انجام می‌رسد، تا به کی است؟» پرسش باب دوازدهم این است: «تا پایان این شگفتی‌ها چه مدت خواهد بود؟» سپس پاسخ سوگندخورده از سوی پلمونی، شمارنده شگفت‌انگیز، که به کتان نازک ملبس بود و بر آب‌ها ایستاده بود، داده می‌شود: «برای زمانی و زمان‌ها و نصف زمانی خواهد بود؛ و چون او پراکنده ساختن قدرت قوم مقدس را به انجام رساند، همه این امور به پایان خواهد رسید.»

سؤالات رندهای اولای و حِذْقِل این است که «رؤیای پراکندگی قوم خدا که به وسیله بت‌پرستی و سپس پاپ‌گرایی انجام می‌شود، تا هنگامی که ایشان قدس و لشکر را پایمال می‌کنند، تا به کی خواهد بود؟» پاسخ این است که این پایمال کردن در سال 1798 پایان می‌یابد، هنگامی که کار پالمونی در برپا ساختن هیکل میلری آغاز می‌شود؛ و سپس چهل‌وشش سال بعد، در 1844، آنگاه که می‌بایست قدس تطهیر شود، به انجام می‌رسد.

در باب دوازدهم، دانیال آن گفتگو را شنید، «اما نفهمیدم.» دانیال اشتیاقی برای فهمیدن ابراز کرد، چنان که این امر در پرسش او از مسیح نمود یافت: «ای آقای من، عاقبت این امور چه خواهد بود؟» ابراز اشتیاق او برای فهمیدن، نمایانگر اشتیاق باکره‌های دانا برای درک کردن بود، زیرا سراسر این مکالمه میان دو اشاره به مهر شدن کتاب دانیال تا زمان آخر قرار داده شده بود. دانیال نمایانگر اشتیاقی بود که بر ویلیام میلر نهاده شد تا حقیقتی را که در سال 1798 مهر آن گشوده شد، دریابد؛ و نخستین حقیقتی که او به شناخت آن هدایت شد، پایمال شدن قدس و لشکر بود، نخست به وسیله بت‌پرستی و سپس پاپیت در طی دوره‌ای که در آن قدرت قوم مقدس، در تحقق «هفت زمان» لاویان بیست‌وشش، پراکنده گردید.

ملّر کی سچائی کو جاننے کی خواہش دانی ایل کی خواہش سے مماثلت رکھتی ہے، لیکن ملّر کی سمجھ نامکمل تھی۔ دانی ایل ملّر کی خواہش کی نمائندگی کرتا ہے، اور بیلطشصر ان لوگوں کی نمائندگی کرتا ہے جو اس امر اور رویا کی کامل سمجھ رکھتے ہیں۔ دانی ایل کے بارہویں باب میں کم از کم پانچ اہم سچائیاں ایسی ہیں جو ملّرائٹس کے تجربے کا حصہ تھیں، اور جن کا ایک متوازی ہم منصب ایک لاکھ چوالیس ہزار کی تاریخ میں ظاہر ہوگا۔ ان میں سے ایک یہ ہے کہ انہوں نے پورا کیا اور سمجھا کہ وہ دس کنواریوں کی تمثیل کو پورا کر رہے تھے، جس میں آزمائش کا تین مرحلہ وار عمل ہے؛ اور دوسری یہ کہ وہ احبار کے چھبیسویں باب کے "سات اوقات" کے بنیادی سنگ بنیاد کو سمجھتے ہیں۔

مور بہ دا مطالعہ پہ خپلے راتلونکے مقالے کے دوام ورکرو۔

«آنگاہ ملکوت آسمان بہ دہ باکرہ مانندہ خواهد شد کہ چراغ‌های خویش را برگرفته، بہ استقبال داماد بیرون رفتند۔ و پنج تن از ایشان دانا بودند و پنج تن نادان۔ نادانان چراغ‌های خود را گرفتند، لیکن روغن یا خود برداشتند؛ اما دانایان با چراغ‌های خویش، در ظرف‌های خود روغن نیز گرفتند۔ و چون داماد تأخیر نمود، ہمگی ایشان در خواب غنودند۔ و در نیمہ شب بانگی برخاست کہ اینک داماد می‌آید؛ بہ استقبال او بیرون آید۔ آنگاہ ہمہ آن باکرہ‌ها برخاستند و چراغ‌های خود را آراستند۔ و نادانان بہ دانایان گفتند: از روغن خود بہ ما بدھید، زیرا چراغ‌های ما خاموش می‌شود۔ اما دانایان در پاسخ گفتند: نہ؛ مبادا برای ما و شما کفایت نکند۔ بلکہ نزد فروشندگان بروید و برای خود بخريد۔ و هنگامی کہ ایشان برای خریدن رفتند، داماد آمد؛ و آنان کہ آمادہ بودند، با او بہ مجلس عروسی درآمدند، و در بستہ شد۔ پس از آن، آن باکرہ‌های دیگر نیز آمدند و گفتند: سرور ما، سرور ما، بر ما بگشا۔ اما او در پاسخ گفت: ہرآینہ بہ شما می‌گویم، شما را نمی‌شناسم۔ پس بیدار باشید، زیرا نہ روز را می‌دانید و نہ ساعت را کہ پسر انسان در آن می‌آید۔»

«ما اکنون در زمانی بس خطرناک زندگی می‌کنیم، و هیچ‌یک از ما نباید در جستن آمادگی برای آمدن مسیح درنگ ورزد۔ هیچ‌کس از نمونہ باکرہ‌های نادان پیروی نکند و گمان مبرد کہ ایمن خواهد بود اگر تا فرارسیدن بحران صبر کند و آنگاہ آمادگی منش لازم برای ایستادگی در آن زمان را بہ دست آورد۔ هنگامی کہ میهمانان فراخواندہ شوند و مورد بررسی قرار گیرند، برای طلب پارسایی مسیح بسیار دیر خواهد بود۔ اکنون زمان آن است کہ پارسایی مسیح را بر تن کنید—جامہ عروسی‌ای کہ شما را برای ورود بہ ضیافت عروسی برہ شایستہ خواهد ساخت۔ در مثل، باکرہ‌های نادان چنین تصویر شدہ‌اند کہ برای روغن التماس می‌کنند و در پاسخ بہ درخواست خود آن را دریافت نمی‌نمایند۔ این نماد کسانی است کہ با پرورش منش لازم برای ایستادگی در زمان بحران، خود را آمادہ نساختہ‌اند۔ گویی نزد همسایگان خود می‌روند و می‌گویند: منش خود را بہ من بدھید، وگرنہ ہلاک خواہم شد۔ آنان کہ دانا بودند، نمی‌توانستند روغن خود را بہ چراغ‌های رو بہ خاموشی باکرہ‌های نادان منتقل کنند۔ منش قابل انتقال نیست۔ نہ خریدنی است و نہ فروختنی؛ بلکہ باید آن را بہ دست آورد۔ خداوند بہ ہر فرد فرصتی عطا کردہ است تا در خلال ساعات مہلت، منش پارسایانہ‌ای حاصل کند؛ اما او راہی فراہم نساختہ است کہ بہ وسیلہ آن یک عامل انسانی بتواند بہ دیگری آن منش را کہ خود از رھگذر تجربہ‌های سخت پروردہ است، منتقل

سازد؛ آن منشی را کہ با آموختن درس‌ها از معلّم اعظم بہ دست آمدہ است، تا بتواند در زیر آزمایش شکیبایی ظاہر سازد و ایمان را چنان بہ کار بندد کہ کویہای ناممکنات را از میان بردارد. انتقال عطر محبت ناممکن است—اینکہ کسی بہ دیگری ملاطفت، کیاست، و پایداری ببخشد. محال است کہ یک دل انسانی محبت خدا و انسانیت را در دل دیگری بریزد.»

«لیکن وہ دن آ رہا ہے، اور وہ ہم پر قریب آن پہنچا ہے، جب سیرت کے ہر پہلو کو خاص آزمائش کے ذریعہ ظاہر کیا جائے گا۔ جو لوگ اصول پر قائم رہیں گے، اور آخر تک ایمان کا اظہار کریں گے، وہی ہوں گے جنہوں نے اپنی مہلت آزمائش کے گزشتہ اوقات میں امتحان اور مصیبت کے تحت وفاداری ثابت کی ہوگی، اور اپنے کردار مسیح کی مشابہت کے مطابق تشکیل دیے ہوں گے۔ وہی لوگ ہوں گے جنہوں نے مسیح کے ساتھ گہری شناسائی پیدا کی ہے، اور جو اُس کی حکمت اور فضل کے وسیلہ سے الہی فطرت میں شریک ہیں۔ لیکن کوئی انسان دوسرے کو دل کی سپردگی اور ذہن کی عالی صفات نہیں دے سکتا، نہ اپنی اخلاقی قوت سے اُس کی کمی کو پورا کر سکتا ہے۔ ہم میں سے ہر ایک ایک دوسرے کے لیے بہت کچھ کر سکتا ہے، اگر ہم لوگوں کے سامنے مسیح جیسی مثال پیش کریں، اور یوں اُن پر ایسا اثر ڈالیں کہ وہ اُس راستبازی کے لیے مسیح کے پاس جائیں جس کے بغیر وہ عدالت میں قائم نہیں رہ سکتے۔ لوگوں کو چاہیے کہ دعا کے ساتھ سیرت سازی کے اس اہم معاملہ پر غور کریں، اور اپنے کردار کو الہی نمونہ کے مطابق تشکیل دیں۔» The Youth

Instructor, January 16, 1896